

The Role of Ironic Language of the Quran in Sexual Education

**Mehdi Ismaili
Sadrabadi** 

Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences,
Valiasr University (AS). Rafsanjan, Kerman, Iran

Sara Heydari *

PhD student of Quran and Hadith Sciences, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Somayyeh Dastan
Zand** 

Senior expert in Quran and Hadith Sciences,
University of Noble Quran Sciences and Education,
Qom, Iran

Abstract

An indicative aspect of the wonders of the Qur'an is related to its special expressive structure, which is reflected in the choice of words and expressions, especially in the issues of sexual education, and in many verses of the Qur'an, while using ironic words and expressions, any explicit and polite words have been avoided in these issues. With the aim of exploring these verses, this research has investigated the role of ironic language in Islamic sexual education through the descriptive-analytical method. The results of this research show that in the sexual education of Islam, especially in the verses of the Quran, the way of expression used to raise sexual issues is completely charged with chastity of speech, politeness of speech and utmost politeness, and divine speech is full of eloquence and extraordinary beauty and the selection of words and sentences is allusive in such a way that the divine word is free of any explicit, obscene and ugly words in these matters. This way of expression originates from God's modesty and stardom and is crystallized in the verses of the Quran and should be considered a desirable and important model in the field of educational and moral issues.


Keywords: The language of the Qur'an, Miracle, Sarcasm, Sex Education, Islamic Education.

* Corresponding Author: sara.sh.heydari@gmail.com


How to Cite: Ismaili Sadrabadi, M., Heydari, S., Dastan Zand, S. (2023). The Role of Ironic Language of the Quran in Sexual Education, *Journal of Seraje Monir*, 14(46). 29-58.

نقش زبان کنایه قرآن در تربیت جنسی


مهدی اسمعیلی

صدرآبادی 

استادیار علوم قرآن و حدیث گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی
دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران

سارا حیدری  *

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سمیه دستان زند 

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

چکیده

جنبه شاخصی از وجوه اعجاز قرآن ناظر به ساختار بیانی خاص آن است که در انتخاب الفاظ و عبارات به ویژه در مسائل تربیت جنسی عفت کلام و نزاهت بیان بازتاب داده شده و در بسیاری از آیات قرآن ضمن استفاده از الفاظ و عبارات کنایی، از هرگونه لفظ صریح و به دور از ادب در این مسائل خودداری شده است. این پژوهش باهدف کاوش در این آیات و از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این سؤال که زبان کنایی قرآن چه نقشی در تربیت جنسی دارد به بررسی آن پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش گویای این است که در تربیت جنسی اسلام به خصوص در آیات قرآن شیوه بیانی مأخوذه جهت طرح مسائل جنسی تماماً مشحون از عفت کلام، نزاهت گفتار و نهایت ادب است و گفتار الهی با بلاغتی تام و شیوا ایراد شده و گزینش الفاظ و جملات کنایاتی به نحوی است که کلام الهی عاری از هرگونه لفظ صریح، مستهجن و زشت در این امور باشد. این شیوه بیانی از صفت حیا و ستاریت خداوند سرچشمه گرفته و در آیات قرآن متبلور شده و باید به عنوان الگویی مطلوب و مهم در حیطه مسائل تربیتی و اخلاقی مورد توجه همگان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: زبان قرآن، اعجاز، کنایه، تربیت جنسی، تربیت اسلامی.

۱. مقدمه

بسیاری از تعابیری که به‌خصوص در زبان و ادبیات عرب به کار می‌روند از کنایات محسوب می‌شوند؛ چون به‌رغم آنکه لحاظ معانی حقیقی و موضوع کلمات آن‌ها شایسته است، اما به دلیل نبود قرینه مانعه (هاشمی، بی‌تا، ص ۳۴۶)، معنای لازمی از الفاظ اراده خواهد شد (تفتازانی، بی‌تا، ص ۱۸۲) تعابیری که واژگان و عباراتش دارای بار معنایی و رای معانی ظاهری آن‌هاست و تصاویری که از رهگذر این دسته از تعابیر به وجود می‌آید، سخن را نیکوتر و بر قدرت تأثیر و سرایت آن می‌افزاید و در کلام سخنور-بنا به بیانی از فخر رازی- به‌عنوان یک قلقلک روانی است (ابوسعبد، ۱۹۸۷ م، ص ۷) که باعث شیوایی و رسایی کلام شده و برای برانگیختن عواطف انسانی به کار می‌رود. افزون بر این موارد نوع دوبعدی بودن، تصویرگری، ایجاز، غرابت، استدلال، آشنازدایی، مبالغه، تعریض، تزئین سخن، جذابیت بخشی به کلام (نصیری، ۱۳۹۳ ه ش: ۷-۴) از دیگر موارد به کارگیری کنایات است، برای نمونه برای معرفی شخصی بخیل، عبارت «آب از دستش نمی‌چکد؛ یدِه مقبوضه»؛ برای نزدیکی مرگ کسی، عبارت «آفتابش لب بام است؛ بلغ ساحل الحیاء»؛ برای تعریض به کسی که دیر کرده، عبارت «از سایه خبری نبود؛ انتعلت المطیٰ ظلالها»؛ برای کسی که از دنیا رفته، جمله «به رحمت ایزدی پیوست؛ انتقل الی جوار ربه» و برای آنکه چاپلوسی می‌کند تعبیر «لَبَسَ لَهُ جِلْدَ النَّمْرِ» را به کار می‌برند (اقبالی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱).

این گونه تعابیر از گذشته در زبان محاوره روزانه و یا ادبیانه متداول بوده است. گویا اینکه در صدر اسلام از جمله قرآن کریم که به زبان عرف مردم عصر نزول یعنی «لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»^۱ (نحل/۱۰۳) نازل شده عبارات کنایی وجود دارد که در آن دوران شایع بوده، مانند «يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ»^۲ (نحل/۲۷)، «يُقَلِّبُ كَفَيْهِ»^۳ (کهف/۴۲) و «كَشَفَتْ عَنْ

۱. به زبان عربی روشن

۲. ستمکار دست‌های خود را می‌گزد.

۳. (از شدت حزن و اندوه) دست بر دست می‌زد.

ساقی‌ها»^۱ (نمل/۴۴)؛ گواه بر شیوع و تداول کاربرد این تعابیر در آن روزگار است، به همین روی پی‌جویی در باب قالب‌های زبانی قرآن و زیبایی‌های بلاغی ضروری می‌نماید. قرآن‌پژوهان در تفسیر خود به زبان‌شناختی و زیباشناسی آیات قرآن پرداخته‌اند، ولی به‌مرور زمان روش بیانی کلمات قرآن بیشتر مطمح نظر قرار گرفت و با پژوهش‌های فراوان در مسائل بین‌رشته‌ای سپهر واژگانی قرآن را کاویدند. از طرفی دیگر امروزه تربیت جنسی و ارائه سلسله معلومات، جسمی و جنسی و نیز حدود و ثغور روابط بینافردی بسیار اهمیت یافته است. از این‌رو همواره چگونگی بیان و آموزش مسائل جنسی اهمیت زیادی داشت و از آن‌جا که قرآن کریم با داعیه جامعیت به همه زوایای زندگی انسان توجه دارد پی‌جویی مسئله تربیت جنسی و نحوه ابراز آن به مخاطبان مطمح نظر این پژوهش قرار گرفت. مسئله موردپژوهش این است که در منابع دینی و به‌خصوص قرآن کریم درباره این موضوع خداوند چگونه به بشر تعلیم داده است و نحوه نزول کلام الهی در معارف بشری به چه نحوی بوده است و زبان کنایی قرآن چه نقشی در تربیت جنسی بشر داشته است؟

قرآن ضمن اشاره به مسائل جنسی از قالب‌های زبانی خاصی پیروی کرده است. کاربردهای قرآنی در راستای مسائل جنسی حاکی از رعایت نوعی عفت و حیا است. به بیان آشکارتر قرآن کریم ضمن این که انسان‌ها را به ارضای مشروع میل فطری جنسی تشویق نموده لیکن آن را از رهگذر صحیح آن و در قالب ازدواج مطرح می‌کند و از هرگونه عمل منافی عفت براءت جسته و حرمت آن را در آیات زیادی منعکس کرده است. قرآن برای جلوگیری از رواج بی‌بندوباری جنسی ضمن رعایت حیا در ارائه محتوا، از قالب‌های زبانی ویژه‌ای استفاده کرده است. در قرآن در تبیین مسائل جنسی حیا در پوشش، نگاه و گفتار اصل است. بر همین پایه پژوهش پیش‌رو ضمن پاسخ به این سؤال که زبان کنایی قرآن چه نقشی در تربیت جنسی افراد دارد با روش توصیفی تحلیلی پیرامون تربیت جنسی در اسلام به‌خصوص در قرآن و واکاوی عفت بیانی و نزاهت کلامی موجود در آیات قرآن سامان یافته است. دارای رهیافتی جدید در نگرش به این امر است که نشان می‌دهد کلام

۱. جامه از ساق‌های پا برگرفت.

الهی با بیان کنایی منشعب از برخی صفات الهی است و به کارگیری زبان کنایی به صورت غیرمستقیم در تربیت نقش سازنده و مؤثری را می‌تواند ایفا نماید.

۲. پیشینه تحقیق

کنایه یکی از اسلوب‌های بیان عربی است که در هر زبانی از آن استفاده می‌شود و در زبان عربی نیز قدمتی طولانی دارد و نمونه‌های بسیاری از آن در اشعار جاهلی دیده می‌شود. در قرآن هم تعبیرهای لطیف کنایی، فراوان دیده می‌شود. با توجه به تفاوت میان اندیشمندان درباره زبان قرآن که از سده‌های اولیه اسلام تاکنون قابل مشاهده است، برخی از افرادی که جمود فکری را تقدیس قرآن نام نهاده‌اند معتقدند که در قرآن کنایه وجود ندارد و کنایه درخور کلام خداوند نیست، زیرا کنایه از باب مجازگویی است و مجاز در کلام خدا روا نیست، از جمله آثار در این حوزه را می‌توان کتاب منع جواز المجاز فی المنزل للتعبد والاعجاز اثر شنیطی که با تحقیق سامی بن عربی در سال ۱۴۱۴ از سوی مکتبه السنه در قاهره چاپ شده است را نام برد. این در حالی است که می‌دانیم قرآن به زبان عربی مبین و با لهجه قرشی نازل شده و در بیان معارف بلند خود، شیوه‌ها و آرایه‌های موجود در زبان و فرهنگ آن زمان را به کار برده، آن‌هم در حدی که شگفتی سخنوران و بزرگان شعر و ادب را برانگیخته است. یکی از رایج‌ترین شیوه شاعران و سخنوران بزرگ استفاده از تعبیرهای کنایی است. به گفته زرکشی، عرب‌ها کنایه را نوعی بلاغت و زیباگویی به‌شمار می‌آوردند و آن را رساتر از تصریح می‌دانند. وی از طوطوسی نقل می‌کند که بیشتر ضرب‌المثل‌های فصیح عربی بر اساس کنایه است (زرکشی، ۱۹۵۷، م: ص ۳۱۳).

بسیاری از قرآن‌پژوهان و دانشمندان علوم بلاغت وجود کنایه در قرآن را تأیید کرده و آن را یکی از وجوه مهم بلاغت قرآن شمرده و مثال‌هایی برای آن ذکر نموده‌اند. در کنایه گوینده مقصود نهایی خویش را به گونه‌ای غیرمستقیم بیان می‌دارد و با ذکر لفظ و عبارتی، لفظ و یا عباراتی دیگر را اراده می‌نماید. دانشمندان برای کنایه انواع و اغراضی بیان کرده‌اند مانند کنایه از صفت، کنایه از موصوف، کنایه از نسبت، نیز کنایه قریب و بعید و اقسامی دیگر (تفتازانی، ۱۳۱۰ ه: ش: ۴۱۳ ص / هاشمی، ۱۳۹۵ ه: ش: ۳ ص / شمیسا، ۱۳۹۲

ه ش: ۲۶۵ - ۲۷۳ ص). برخی پژوهشگران بر این باورند که کنایه همیشه در قالب عبارت اعم از جمله یا ترکیب بیان می‌شود و همین امر را یکی از ملاک‌های تمایز میان استعاره و کنایه قرار داده‌اند (شمیسا، ۱۳۹۲ ه ش: ۲۷۷ - ۲۸۲ ص). در هر صورت پوشیده نیست که بیشتر کنایات در شکل عبارت‌اند. برخی مصنفان به جمع‌آوری و تدوین کنایات در قرآن و منابع دینی پرداخته و برخی به بررسی نقش کنایات در بیان معنای مورد نظر گوینده و برخی به تأثیر کنایه در القای معنا به مخاطب مبادرت کرده‌اند. افرادی از متقدمان موارد زیادی از کنایه را جمع‌آوری کرده‌اند؛ مثلاً ابو عبیده (م ۲۱۰) که کتاب مجازالقرآن را به رشته تحریر درآورده است کنایه‌های متعددی را که در قرآن آمده نقل کرده است. برخی مقالات همچون مؤلفه‌های تربیتی قرآن در طرح مسائل جنسی اثر عبدالله غلامی و دیگران، چاپ‌شده در مجله مطالعات اسلامی آسیب اجتماعی (۱۳۹۷) تلاش کرده است با محوریت آیات قرآن، این روش‌ها و اصول تربیتی را مورد بررسی قرار داده تا متصدیان حوزه تربیت بجای استفاده از قوانین تربیتی غیراصولی و غربی از این منبع وحیانی و خطاناپذیر جهت پیشبرد اهداف تربیتی بهره‌مند شوند. محمدرضا ستوده‌نیا و ملیحه رضانی در مقاله «بررسی روش‌های تربیت جنسی در قرآن با تأکید بر رویکرد روانشناسی شناختی» (۱۳۹۴) به روش‌هایی که به لحاظ روان‌شناختی و قرآنی در مهار گرایش‌های جنسی انسان و تحلیل بخشی آنهاست پرداخته است.

رضا الهامی در مقاله تربیت جنسی از دیدگاه قرآن و حدیث (۱۳۸۹) به بعد تربیتی آموزه‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف از جمله موضوعات جنسی و مقایسه آن با نگاه غربی پرداخته و معتقد است: تربیت جنسی یکی از ابعاد تربیتی انسان است که مکاتب تربیتی رویکردهای متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند و در شرایطی که برخی از مکاتب غیردینی درباره امور جنسی به آزادی عمل مطلق در چارچوب اراده اشخاص قائل‌اند و بسیاری از اختلالات روانی را ناشی از محدود کردن این آزادی می‌دانند برخی مکاتب دیگر اعم از دینی و غیردینی هرگونه رابطه جنسی را امری ناپاک دانسته و رویکرد ریاضت جنسی را توصیه کرده‌اند و در این میان رویکرد دین اسلام با اصول مشخصی

تأکید بر طبیعی بودن وجود غریزه جنسی در انسان و نفی هرگونه رذالت در ارضای آن از راه‌های مشروع تعریف چارچوب ازدواج مشروع و تنظیم نظامی که ازدواج در آن مبنای ارتقای معنوی و کسب فضایل برای زوجین شود و سعی کرده که با تتبع در آیات قرآن و روایات مربوطه مبانی اصول مذکور مطرح و موردبررسی قرار دهد.

محمد خدمتیان و محمد مزیدی در مقاله ارائه الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان (۱۳۹۶) تربیت جنسی را شاخه‌ای از تربیت معرفی می‌کنند که به مباحثی نظیر کنترل و جهت‌دهی به میل جنسی، روابط سالم دختر و پسر، آمادگی برای ازدواج و آشنایی با حقوق و تکالیف خانوادگی می‌پردازد. هدف ایشان مقایسه دیدگاه‌های تنی چند از اندیشمندان مسلمان پیرامون تربیت جنسی و ارائه الگویی بر مبنای دیدگاه‌های آنان است. مقوله‌های تربیت جنسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان با مقایسه و تقابل آن‌ها الگویی ارائه شد. هرچند اندیشمندان مسلمان دوره کودکی و نوجوانی را مدنظر داشته‌اند؛ اما تأکید اصلی ایشان آماده‌سازی جوانان برای ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که اهداف و روش‌های تربیت جنسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، تطابق مناسبی با فضای فرهنگی عصر حاضر دارد؛ اما برخی از جنبه‌های محتوای تربیت جنسی موردنظر آن‌ها نیاز به تجدیدنظر دارد.

ناگفته پیداست این آثار از زاویه تربیتی و اجتماعی و تطبیق دیدگاه‌های غربی و اسلامی به این مسئله نگریسته‌اند و در این نوشتار به انتخاب کلمات و عبارات عقیفانه در قرآن اشاره شده که قرآن مجید عاری از هرگونه لفظ ناپسند در امور مسائل جنسی است. به همین روی این نوشتار موضوع مذکور را به صورت جزئی مورد تتبع قرار داده است.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱ کنایه

لغت کنایه به مفهوم پوشیده سخن گفتن و به عبارت روشن‌تر ذکر مطلب و دریافت مطلب دیگری است. ارباب لغت درباره مفهوم آن گفته‌اند: «کنایه آن است که مطلب و شیء گفته شود و از آن مطلب دیگری اراده شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵، ۲۳۳) و «کنایه عن

معنی يصلح العلم لذلك المعنى بحسب معناه الاصلی قبل العلمیه» (هاشمی، ۱۳۷۹، ۸۰) و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنای دور و نزدیک است که لازم و ملزوم یکدیگرند. گوینده سخن، کنایه را چنان بیان می‌کند که خواننده یا شنونده به یاری معنای روشن و صریح آن، به معنای دور راه می‌یابد (هاشمی، ۱۳۷۹، ۳۴۵-۳۴۷؛ علامه حلی، ۱۲۳، ۲، ۱۴۰۹-۱۲۵).

در علم بیان، کنایه یعنی معنای مقصود به صراحت بیان نشود، به نحوی که متکلم به لازمه کلمه‌ای اشاره دارد ولی قصد دارد ملزوم کلام را به مخاطب بفهماند. چنین بیانی از کلام برخی قرآن پژوهان نیز قابل برداشت است. (طریحی، ۱۴۲۰، ۶، ۴۶۹). کنایه از انواع بلاغت و شیوه‌های بیان است و فایده آن شیوا ساختن سخن و تهییج قوه خیال برای اثرگذاری بر شنونده است. (معرفت، ۱۴۲۸، ۵، ۴۱۷) از نظر نویری صاحب کتاب نهاییه الأرب، زیباترین کنایه‌ها کنایه‌ای است که گوینده، واژه زشتی را بر زبان نراند و با واژه زیبایی آن معنا را بیان کند. (علوی مقدم، ۱۳۷۲، ۴۵۸)

سیوطی می‌گوید: «لفظی که معنای لازم آن در نظر باشد» یعنی گوینده لفظی را به کار می‌برد و منظور از آن لفظ معنای نزدیک به ذهن نیست، بلکه معنی دیگری را در نظر دارد. هر چند که اراده معنای نزدیک آن نیز در نزد شنونده جایز است، ولی مقصود گوینده آن معنای دیگری است» (سیوطی، ۱۴۲۱، ۲، ۱۰۲).

کنایاتی که عرب برای اهداف ویژه‌ای به کار می‌گیرد و گوینده با دگرگونی آن‌ها هدف‌های دیگری را اراده می‌کند در واقع بیرون رفتن از سنت‌های استعمال عرب، لحاظ می‌گردد و دارای تعقید معنوی به حساب می‌آید چون مقصود از آن‌ها آشکار نیست (عرفان، حسن، ۱۳۷۸، ۱، ۴۸)، بنابراین کنایه گونه‌ای از بیان غیر مستقیم بوده و از این نکته بلاغی استفاده می‌کنند تا به صورت غیر صریح به بیان معنا بپردازند و مقصود را پوشیده ولیکن شیواتر و مؤکدتر و رساتر بیان کنند.

۲-۳ تربیت جنسی

تربیت در لغت از ریشه ربب به معنای مالکیت و تدبیر است (طریحی، ۱۳۷۵، ۶۴؛

فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۵). لفظ تربیت در آیات و احادیث کمتر استفاده شده، بلکه در این مورد واژه‌ی تزکیه و تأدیب بیشتر به کار رفته است؛ تزکیه و تربیت یک معنا دارند، زیرا تربیت در لغت به معنای پرورش و نمو دادن است که تزکیه نیز به همین معناست. تربیت ابعاد مختلفی چون دینی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی و... دارد که در این بخش تربیت جنسی مورد توجه قرار دارد و معنای آن در اصطلاح یعنی فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی یا بدین منظور که زمینه‌ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است به نحوی فراهم شود که استعداد های شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید (حافظ، ۱۳۸۱، ۲۴).

تربیت جنسی، به تربیت در همه ابعاد وجودی و رشدی انسان بستگی دارد. تربیت هر یک از جنبه‌های رشدی، کل شخصیت انسان را در روند طبیعی و سلامت به پیش می‌برد. این رشد از بدو تولد شروع می‌شود و در زمان بلوغ پیشرفت می‌کند و در جوانی و بزرگسالی به اوج خود می‌رسد. می‌توان گفت با رشد و تربیت، شخصیت جنسی از اوان کودکی به درستی شکل می‌گیرد و فرد با وظایف و تکالیف جنسی خود آشنا می‌شود، از انحرافات جنسی و بلوغ زودرس پیشگیری می‌نماید، سلامت روانی و جنسی فرد را تضمین می‌کند و در یک کلمه، تربیت جنسی رشد و کمال افراد را تسهیل می‌کند.

۴. تعابیر کنایاتی قرآن در تربیت جنسی

قرآن کریم برای تربیت جنسی و جهت‌دهی در این مسیر مهم از واژگان و عباراتی استفاده کرده است که به صورت غیرمستقیم به رفتارها و اندام‌های جنسی اشاره دارد و واژگانی همچون سوءات، عورات و فروج استفاده شده تا این نکته مشخص گردد که عبارات مزبور کنایه و غیرصریح بیان شده است.

۴-۱ سوء

لفظ سوء که جمع آن سوءات است بر شرمگاه مرد و زن اطلاق شده ولیکن از الفاظ صراحت‌آمیز در این باره نیست چون با تأکید لغت‌دانان مفهوم این واژه موسع بوده و هر امر

زشتی را شامل می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷، ۳۲۸ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ۵، ۲۵۳). فعل ساء و دیگر مشتقات آن دال بر مفهوم زشتی و قبح می‌کنند؛ لذا سیئه در مقابل حسنه قرار می‌گیرد و گاهی اوقات نیز به صورت متعدی و به مفهوم او را اندوهناک ساخت استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۴۲).

کاربرد قرآنی

واژه سَوَاءٌ و سَوَاءٌ هفت بار در قرآن به کار رفته و جزماً به معنای شرمگاه انسان اطلاق شده ولیکن در ۲ مورد قرآن پژوهان اختلاف نظر دارد. در آیات:

۱. «فَوَسَّسَ لَهُمَ الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا»^۱ (اعراف / ۲۰)

۲. «بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا»^۲ (اعراف / ۲۲)

۳. «لِيرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا»^۳ (اعراف / ۲۷)

۴. «فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا»^۴ (طه / ۱۲۱)

پرواضح است آیات اشاره شده ناظر به ماجرای تناول حضرت آدم و حوا از شجره ممنوعه و برای آشکار شدن شرمگاه‌هایشان از این واژه استفاده شده، واژه سوءات چهار بار استفاده شده و مراد آن دو شرمگاه حضرت آدم و حوا است و در آیه «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيثًا»^۵ (اعراف / ۲۶) بیان می‌کند که پوشش و لباس برای همه بشریت حکم زینت داشته و در این آیه از نظر برخی به معنای لزوم پوشاندن شرمگاه انسان‌هاست. (طبری، ۱۴۱۲، ۸، ۱۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۴، ۶۳۲) واژه سوءات در دیگر آیه-ای که می‌فرماید: «بَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوَاءَ أَخِيهِ قَالَ يَا

۱. آنگاه شیطان، آدم و حوا هر دو را به وسوسه فریب داد تا زشتی‌هایشان را که از آنان پوشیده بود بر ایشان پدیدار کند.

۲. زشتی‌هایشان (مانند عورات و سایر زشتی‌های پنهان) بر آنان آشکار گردید.

۳. تا قبايح آنان را در نظرشان پدیدار کند.

۴. بدین جهت (لباس‌های بهشتی از تشنه دور و عیوب و) عورت آنها در نظرشان پدیدار شد.

۵. ای فرزندان آدم، محققاً ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم.

وَيَلْتَأْ أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوَارِي سَوَاءَ أَخٍ^۱ (مائده/ ۳۱) ۲ بار به کاررفته و ۲ دیدگاه درباره آن مطرح شده است:

۱. اشاره به شرمگاه دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳، ۲۸۶) و اندام‌هایی که نباید آشکار شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۱، ۳۴۲).

۲. اشاره به جنازه بی‌جان حضرت هابیل است. بی‌شک آشکار بودن بدن میت و دفن نشدن آن امری زشت دانسته شده است چراکه به‌مرور زمان بدبو و متلاشی می‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲، ۱۲۴).

این نظرگاه مشهورترین نظر و موافق با سیاق آیه است.

با عنایت به بیان مفسران و قرآن‌پژوهان وسعت مفهومی تعبیر سَوَاءَ هر عمل زشت و ناپسندی را شامل می‌شود. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۶۲۶) و استعمالات زیاد این ماده در قرآن نشان‌دهنده اطلاق کنایاتی و غیرصریح قرآن در امور جنسی دارد. برداشت تربیتی از این واژه نشان می‌دهد که چه لفظ مذکور اشاره به بخشی از اندام انسان دارد و شایسته است که اندام انسان مورد پوشش و محافظت قرار گیرد و این پوشش علاوه بر زمان حیات حتی در زمان فوت انسان نیز مورد توجه باید قرار گیرد و حفظ بدن و پوشش آن امری است که نیاز است از دوران کودکی به فرد آموزش داده شود تا به‌عنوان امری قابل احترام در اذهان شکل گیرد، پس در مرحله اول ارزشمندی بدن انسان و ضرورت پوشش آن و حفظ شأنیت آن مطرح می‌گردد.

۲-۴ ملامست

ملامسه همچون ریشه اصلی آن که از لَمَسَ است به معنای تماس ظاهری با بدن است به‌خصوص با دست که در فرهنگ لغت به این اشاره شده است که به جستجو و طلب نیز دلالت دارد. در ضمن از آنجا که لمس همسر منتهی به آمیزش جنسی می‌شود ملامسه در این دسته از آیات به معنای کنایی به کاررفته است (فیومی، ۱۳۹۷، ۵۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴،

۱ آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر نماید تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند.

۶، ۲۱۰)، هر چند کاربرد این تعبیر کنایی که از مصدر باب مفاعله است بر مشارکت نیز دلالت دارد. قرآن درباره آمیزش جنسی، از تعبیرهایی کنایی چون مس (بقره/۲۳۶-۲۳۷؛ احزاب/۴۹) و لمس و مباشرت (بقره/۱۸۷) استفاده کرده است.

«أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» (نساء/۴۳) یا زنان را لمس کردید» در این آیه، نهایت ابهام در معرفی مخاطبان آیه، با تعبیر «احد منکم» برای رعایت ادب به کاررفته است. همچنین «لامستم النساء» کنایه از نزدیکی با زنان است. از ابن عباس در این باره نقل شده است: «المُلامَسَةُ: النِّكَاحُ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ يُكْنِي وَ يَعْفُ»؛ ملامسه به معنای نکاح (نزدیکی با زنان) است، ولی خداوند به کنایه صحبت می کند و به این گونه واژه‌ها تصریح نمی کند. (طبری، ۴، ۱۰۲).

کاربرد قرآنی

مشقات لمس در قرآن ۵ بار ذکر شده و در ۳ بار مفهوم لغوی آن اراده شده است.

۱. جستجو کردن آسمان یا دستیابی به آن «وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ»^۱ (جن/ ۸)
۲. لمس صفحه‌ای از کاغذ با دست «فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ»^۲ (انعام/ ۷)
۳. جستجو و طلب نور «فَالْتَمَسُوا نَوْراً»^۳ (حدید/ ۱۳) در ۲ مورد دیگر معنای کنایی از آن اراده شده و ناظر به امور جنسی است همچون «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»^۴ (نساء/ ۴۳؛ مائده/ ۶) که مربوط به یکی از بایسته‌های تیمم است که نبود آب پس از ملامست با همسر است. در تفسیر این واژه دو دیدگاه عمده وجود دارد:
۱. چون صراحت‌گویی در این مسائل در قرآن از آن اجتناب شده ملامست کنایه از رابطه زناشویی دارد. این نظرگاه مورد پذیرش برخی از شیعیان و مفسران اهل سنت قرار گرفته است (طوسی، بی تا، ۳، ۲۰؛ مراغی، بی تا، ۶، ۶۴).

۲. مراد از ملامست هرگونه تماس بدنی با زنان است. این نظر را بسیاری از مفسران اهل

۱ و جَنَانٍ گفتمند ما به آسمان بر شدیم.

۲ که آن را به دست خود لمس کنند.

۳ واپس گردید (یعنی اگر می‌توانید به دنیا بازگردید) و از آنجا نور طلبید.

۴ یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید پس به خاک پاک تیمم کنید، آن‌گاه صورت و دستها را (بدان) مسح کنید.

سنت قبول کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۰، ۹۰ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲، ۷۶).

برداشت تربیتی از این واژه که به صورت کنایی بیان شده است نشان می‌دهد که خداوند هیچ گونه تعبیر زننده، رکیک، ناموزون، مبتذل و دور از عفت بیان، در مباشرت میان زوجین به کار نبرده است، بلکه برای مثال از تعبیر ملامست به جای بیان کلمات ناپسند استفاده کرده است تا علاوه بر رعایت ادب از این رهگذر، مخاطبان خود را به ادب هر چه بیشتر و حیای بجا دعوت کند.

۳-۴ مس و تماس

مس در اصل به معنای رساندن دست به چیزی بوده بدون این که فاصله‌ای در کار باشد. این واژه و مشتقات آن تعبیری کنایی است که در قرآن به ارتباط جنسی اشاره دارد (فیومی، بی تا، ۵۷۲) و البته به طور کلی معنای اصابت هر امر مادی و معنوی را نیز شامل می‌شود همچون رسیدن نعمت، گرفتاری، ناراحتی و مجازات. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۱، ۱۰۷).

کاربرد قرآنی

مس و مشتقات آن در آیات فراوان به کاررفته و فقط ۷ مورد درباره روابط جنسی است. در آیات «إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ»^۱ (بقره/۲۳۶) و «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ»^۲ (بقره/۲۳۷)، «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ»^۳ (احزاب/۴۹) احکام طلاق پس از ازدواج و قبل از آمیزش جنسی مطرح شده و تعبیر «تَمْسُوهُنَّ» تعبیری بسیار ظریف و غیرصریح و مؤدبانه بوده و تماس با همسر را کنایه از آمیزش جنسی قرار داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۵۴۶). در مورد چهارم و پنجم شامل آیات «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا... فَمَنْ»

۱. اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده.

۲. و اگر زن‌ها را قبل از مباشرت با آنها طلاق دهید.

۳. و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید.

لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا^۱ (مجادله/۳ و ۴) حکم کفاره ظهار بیان شده و آن نیز محدوده معینی است که باید قبل از تماس با همسر به صورت واجب به آن اقدام شود. در مراد از واژه «تَمَاسًا» نیز دو دیدگاه بیان شده است:

الف) این واژه فقط اشاره به آمیزش جنسی دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹، ۳۷۳)

ب) مقصود هر گونه تماس است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۲۹، ۴۵۸)

دو مورد دیگر پیرامون حضرت مریم (س) در هنگام دریافت بشارت به داشتن فرزند است:

۱. «قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ»^۲ (آل عمران/۴۷)

۲. «قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا»^۳ (مریم/۲۰)

کلمه «يَمَسِّنِي» در این ۲ آیه از ماده مس و کنایه از داشتن همسر و روابط جنسی است. با توجه به آنچه از نظر گذشت و استعمالات فراوان این واژه می توان گفت این تعبیر در غیر مسائل جنسی هم به کار رفته است و با عنایت به همین نکته مفهوم موسع این واژه و کنایی بودن کاربرد آن اثبات می شود. از دیگر سو قرآن به مس و مسیس از باب کنایه، به جماع اشاره می کند چون شیوه بیانی خداوند برای بیان مراد خویش حتی در عمل زناشویی پیروی از عفت کلام است بنابراین از واژه «مس» در این باره استفاده کرده است.

برداشت تربیتی از این واژه نشان می دهد که در مواردی که سخن از فصل رابطه زوجیت است و موضوع طلاق مطرح می گردد رعایت شئونات جنسی نیز به عنوان یکی از امور مؤثر در روابط زوجین که می تواند در ذهن و روان هر یک اثرگذار باشد مورد توجه باید قرار گیرد و حتی در حالت متارکه نیز بدین موضوع توجه شده است یا در امر ظهار

۱. و آنان که با زنان خود ظهار کنند آن گاه از گفته خود برگردند، پیش از تماس و مجامعت باید برده‌ای آزاد کنند. به این عمل پند و موعظه می شوید (تا دیگر به این کار حرام اقدام نکنید) و خدا به تمام کردار شما آگاه است؛ و هر که برده نیابد (یعنی بر آزاد کردن برده توانایی ندارد) باز باید پیش از جماع دو ماه پی در پی روزه بگیرد و باز اگر نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد.

۲. مریم گفت: پروردگارا، مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آنکه با من مردی نزدیک نشده؟

۳. مریم گفت: از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که دست بشری به من نرسیده و کار ناشایسته‌ای هم نکرده‌ام؟

که از اقدامات اعراب جاهلی بوده است کفاره سنگینی برای آن تعیین گردیده است تا نشان دهد هر یک از زوجین مختار به استفاده از هر لفظی نیست و علاوه بر دقت در نوع تعامل طرفین باید شئون مرتب بر آن نیز مورد توجه قرار گیرد حال چه در امر طلاق و چه فرزند آوری و... باید حقوق طرفین به لحاظ جنسی تأمین و مورد توجه قرار گیرد.

۴-۴ رفت

یکی دیگر از موارد کنایه گویی موضوع حلال بودن نزدیکی با همسران در شب‌های ماه رمضان است. اصل رَفَثُ به معنای فحش و به معنای سخن زشت است ولی کنایه از آمیزش دارد که اشاره به حلال بودن آمیزش زناشویی در شب‌های ماه رمضان است (طبرسی، ۱۳۷۴، ۱، ۲۴۲) به تدریج و با تطور معنایی، این واژه در مورد سخن گفتن نزد زنان به کار گرفته شد، سپس برای کنایه از هم‌خوابگی با آنان به کار رفت. اگر گفته شود که چرا در اینجا از هم‌خوابگی به واژه رفت تعبیر شده است، حال آنکه رفت معنای زشتی دارد و برخلاف سخن خداوند در جاهای دیگر قرآن است، در پاسخ باید گفت: علتش این است که انجام این عمل در میان آنان پیش از حلال شدن، زشت شمرده می‌شد (همان)؛ همچنان که قرآن انجام آن را خیانت به خویشتن می‌نامد (پس با حلال شدن آن، قبح شرعی و عرفی از میان رفت. این واژه یادآور زشتی آن عمل، پیش از حلال شدن است) به هر حال منظور از رفت معنای کنایی آن است و چنان که گفته شد متعدی آن با الی به معنای کنایی آن اشاره دارد در ادامه آیه زن و شوهر را نسبت به یکدیگر، مانند لباس یکدیگر می‌داند؛ همان گونه که لباس ویژگی راحتی در گرما و سرما و زینت بخشی و پوشش را دارد، زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر چنین‌اند.

کاربرد قرآنی

در قرآن آمده است: «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ...» (بقره/۱۸۷) هم‌خوابگی با همسرانتان، در شب‌های روزه حلال است. آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها، خداوند می‌داندست

که شما به خود خیانت می کردید (و این کار ممنوع را انجام می دادید) برداشت تربیتی از این واژه نشان می دهد متانت گفتاری قرآن در التذاذات جنسی امری مشهود است. گرچه رفت در بستر تقنین و تشریح احکام فقهی صادر شده و ناظر به جزئیات روابط زناشویی است، لیکن درباره واژه رفت همچون موارد پیشینی، کاربری قرآنی همراه با حسن تعبیر و نزاهت بیانی است و علاوه بر امکان آن در زمان مشخص شده در ماه مبارک به زینت بخش بودن زن و شوهر برای یکدیگر اشاره دارد که سبب حفظ یکدیگر باشند.

۴-۵ اعتزال

از دیگر موارد کنایه گویی قرآن درباره عادت ماهیانه زنان است. در افعال «فَاعْتَرَلُوا» و «لَا تَقْرُبُوهُنَّ» و «فَاتَّوَهُنَّ» معنای کنایی آن مورد نظر است. کنایه های دیگری نیز درباره طلاق، حرام بودن ازدواج با محارم، دادن نفقه به زن، راه بقای نسل، ازدواج دوباره زنان بیوه و شئون حج در قرآن آمده است. (علی محمدی، ۱۳۸۲، ۷۴-۷۶)

کاربرد قرآنی

در این زمینه با واژگان مؤدبانه ای تعبیر می شود: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ.» (بقره / ۲۲۲) و از تو درباره خون حیض می پرسند. بگو: «چیز زیان بار و آلوده ای است. از این رو، در حالت قاعدگی، از زنان کناره گیری تا پاک شوند و هنگامی که پاک شدند، از راهی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید. خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد.

برداشت تربیتی از این واژه نشان می دهد که خداوند در زمان هایی به کناره گیری از آمیزش امر کرده و سپس امر به آن را نه به هر نحوی که سبب غلبه حیوانیت در انسان گردد بلکه به شکلی که کرامت انسانی طرفین لحاظ گردد بیان کرده و این امر در نسبت سنجی با صورت هایی که بعضاً در جوامع غربی تبلیغ و ترویج می شود منافات داد و علاوه

بر اینکه به صورت غیرمستقیم زوجین را به آموزش به نحو صحیح در این زمینه ترغیب می‌کند در پایان آیه با بشارت به توابین و مطهرین آنان را که بدین امر به شیوه‌ای صحیح مبادرت می‌نمایند محبوب خود می‌خواند و این امر می‌تواند دلالت کند که رابطه زوجیت صحیح می‌تواند موجب تقرب به درگاه الهی گردد.

۵. نزاهت کلام قرآن در بیان مسائل جنسی

قرآن در روش بیانی خود در بیان مسائل جنسی نهایت عفت کلام و ادب در گفتار را با بلاغت، رسایی معنا و زیبایی غیرقابل وصف مشحون نموده و با انتخاب الفاظ و عبارات کنایی در امور زشت و مستهجن به خصوص در امور جنسی و زناشویی از کاربرد الفاظ صریح دوری نموده و آثار آن را بیان کرده است. این روش بیانی قرآن از جنبه‌های - ستاریت خدا نشأت می‌گیرد و در کلام خدا ظاهر و بارز می‌شود و به عنوان الگو و نموداری شایسته از حیا در طرح مسائل جنسی و تربیت جنسی در اسلام قابل تعریف است. (محمودی و ملکوتی‌خواه، ۱۳۹۱، ۷۹)

امام صادق (ع) در تفسیر «لَا مَسْئَةَ النِّسَاءِ»^۱ در آیات قرآن (نساء/ ۴۳ و مائده/ ۶) آن را تعبیری کنایی به آمیزش جنسی معنا نموده و چنین می‌فرماید: «فَقَالَ هُوَ الْجِمَاعُ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَتِيرٌ يُحِبُّ السَّتْرَ فَلَمْ يُسَمِّ كَمَا تُسَمُّونَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ۵، ۵۵) فرمود: همان آمیزش است. ولی خداوند پرده‌پوش است و پرده‌پوشی را دوست دارد. پس اسم (آمیزش) را ذکر نکرد، آن‌طور که شما نام می‌برید.

این حدیث نشان می‌دهد که خداوند ستر بوده و این پرده‌پوشی خدا در بسیاری از آیات قرآن متجلی شده و از کاربرت الفاظ صریح و بی‌پرده جلوگیری کرده است. این روش بیانی قرآن را می‌توان در آیات بسیاری مشاهده نمود. قرآن واژگان مربوط به افعال را به صورت کنایی و در کمال ادب و نزاهت گفتار ایراد نموده و اغلب از عبارتهایی بهره برده که ناظر به مسائل جنسی نبوده و کاربردهای دیگری هم در کلام عرب دارند. برای

۱. با زنان مباشرت کرده‌اید.

نمونه کلمه «مس» در آیات فراوانی از قرآن و در قالب معانی گوناگونی ذکر شده و در معنای رسیدن گرفتاری (زمر/ ۴۹)، نعمت (معارج/ ۲۱)، عذاب (هود/ ۴۸) و غیره به کاررفته و از کاربردهای این کلمه نیز کنایه از روابط جنسی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود آیه «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ»^۱ (احزاب/ آیه ۴۹) مراد از مس انجام رابطه زناشویی می‌باشد.

راغب اصفهانی می‌گوید: همه الفاظی که عمل زناشویی را افاده می‌کند کنایات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۲۳). این روش تربیتی در اسلام هم در مورد افعال جنسی و هم درباره اندام‌های جنسی وجود دارد همچون واژگانی مثل سوءات، عورت و فرج که کاربرد آن‌ها اختصاص به اندام ندارد بلکه به صورت کنایی به آلت جنسی تعبیر شده و با این الفاظ معنای آشکار شدن اندام‌های جنسی (مانند نمایان شدن زشتی‌ها، شرمندگی، آسیب) دلالت داشته و فی‌الواقع با ذکر لازم، اراده ملزوم شده و در قالب کنایه سخن رانده شده است (محمودی و ملکوتی خواه، ۱۳۹۱، ۶۳).

تربیت جنسی در اسلام همراه با متانت گفتاری و نزاهت بیانی و زبانی است و در حوزه‌ها و ساحت‌های ناظر به التذاذات، بیشترین رعایت ادب اتخاذ شده است. از همه گفتارهای به کاررفته در ساحت التذاذات جنسی که حاوی تلذذ قلبی، کلامی، بصری، لمسی و... می‌شود و با فحص آراء قرآن پژوهان و ارباب لغت چنین فهم می‌شود که تمامی این واژگان نه به صراحت بلکه غیرصریح و از باب تشبیه، استعاره و یا عمدتاً به صورت کنایه به کاررفته‌اند (مستقیمی، ۱۳۸۹، ۱۲۹).

پیاپی‌سازی این روش توسط قرآن به مثابه یک نوع سرمشق دهی به مؤمنان و انسان‌های شایسته بوده و قرآن با بیان منزهانه و متین خود در طرح تربیتی و مسائل جنسی به مؤمنان تعلیم می‌دهد که چگونه ضمن بهره‌گیری از حلال‌های دنیوی حیا و متانتو کرامت انسانی یکدیگر را رعایت کنند و از آنجا که سخنگویی بی‌پروا در این ساحت‌ها به‌عنوان یکی از عوامل انحراف انسان‌ها در مسائل جنسی می‌باشد قرآن با رعایت این امر هم ساحت مقدس

۱. پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید.

خود را محترم شمرده و هم سرمشقی زیبا برای مخاطبان خود می‌باشد؛ بر همین اساس نزاهت بیانی قرآن را می‌توان از بهترین روش‌های قرآنی در تربیت جنسی انسان‌ها دانست.

۶. اهمیت روش تربیتی غیرمستقیم

مراد از روش، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف قرار دارد و عمل تربیتی را منظم می‌کند و به هدف می‌رساند. خواجه‌نصیرالدین طوسی در روش تعلیم و تربیت چنین می‌گوید: «اولاً باید به طبیعت کودک پی‌برد و استعداد‌های او را کشف کرد و ثانیاً از راه تکرار و تذکر متواتر، درس را ملکه او ساخت تا از آفت نسیان محفوظ بماند. هرگاه کودک از انجام وظایف دینی امتناع کرد و افعال قبیحی از او دیده شد و به دیگران زیان رساند، باید او را مؤاخذه کرد و بالأخره باید کودک را عادت به سختی داد» (صالحی، ۱۳۸۶، ۲)

برای اثرگذاری سخن لازم نیست که استاد همیشه حرف‌های خود را به‌طور مستقیم بگوید؛ بلکه از شیوه‌های مفید آن است که انسان گاهی غیرمستقیم مطالب خود را ارائه دهد مثلاً در معرفی خدا هم می‌توان از عظمت آفریده‌های او سخن گفت و هم از ضعف دیگران در خلق کوچک‌ترین مخلوقات. قرآن گاهی از خالقیت خدا صحبت کرده و گاهی از بی‌عرضگی دیگران؛ با این بیان که اگر همه جمع شوند، نمی‌توانند مگسی بیافرینند و اگر مگس چیزی از آنان برآید، نمی‌توانند پس بگیرند (قرآنی، ۱۳۹۶، ۱۸۴).

به بیانی دیگر تنبیه واپسین روش تربیتی و بازدارنده است. به دیگر سخن، هرگاه مربی پس از به کار بستن شیوه‌های تشویقی برای اصلاح رفتار و تثبیت اخلاق شایسته در شاگرد، نتیجه‌ای به دست نیآورد، نوبت به تنبیه می‌رسد. در تنبیه نیز تنبیه غیر بدنی بر تنبیه بدنی مقدم است؛ یعنی هرگاه تنبیه غیر بدنی اثر نبخشید، نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد. تنبیه غیربدنی، مراحل گوناگونی دارد که با اجرای مراحل ساده‌تر از مراحل پیچیده‌تر و بالاتر آن بی‌نیاز می‌شویم. یک نگاه خشم‌آلود پدر یا آموزگار بیش از سرزنش و تنبیه جسمی، در بازداشتن کودک از بزهکاری اثرگذار است. از این رو، مربیان باتجربه کمتر حرف می‌زنند و کمتر امر و نهی می‌کنند. آنان با چهره و نگاه معنادار، پیام تربیتی خود را به شاگردان انتقال

می‌دهند. لذا مجبور نیستند از شیوه‌های دیگر برای تنبیه بهره‌گیرند. (حسینی، ۱۳۸۱، ۹۳) بنابراین روش‌های آگاهی‌دهی غیرمستقیم، روش‌هایی هستند که پیام ارزشی و دینی را لابه‌لای قالب‌هایی همچون نمایش، فیلم، مسابقه، جنگ و... به مخاطب می‌رسانند. انتقال پیام به‌وسیله‌ی یک نماد، صدا، تصویر و... در مقایسه با روش‌های مستقیم بسیار اثرگذارتر و پایدارتر است. این روش‌ها بیشتر می‌توانند مخاطب را به واکنش و تکاپو وادار سازند و نسبت به روش‌های مستقیم، در تغییر گفتار یا رفتار مخاطب، گستره‌ی فعالیت بیشتری دارند. (طهماسبی، ۱۳۸۱، ۱۰۵)

این روش‌ها در سه قالب کلی به اجرا درمی‌آید: انسان‌ها عموماً از تذکر و نصیحت مستقیم گریزان هستند و حتی گاه در برابر آن جبهه‌آرایی می‌کنند. قرآن از روی برتافتن انسان‌هایی که آه گرم انبیاء در آهن سرد آن‌ها کارساز نبود، یاد کرده برای نمونه از قول حضرت صالح علیه‌السلام نقل نموده است که «وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ؛ همانا من شما را نصیحت نمودم، ولی (چه سود که) شما خیرخواهان را دوست ندارید». آنچه می‌تواند از تلخی پند و اندرزهای مستقیم بکاهد و سبب گردد تا مواعظ و دستورات اخلاقی با لعابی شیرین، دلپذیر کام روح و جان آدمی قرار گیرد، ارائه آن‌ها در قالب «تمثیل» و «حکایت» است.

درجایی که نمی‌توان مستقیم حرف زد و در آنجا که ظرفیت یا حساسیت مخاطب و شرایط زمان و مکان اجازه نمی‌دهد که سخن، بی‌پرده و بی‌پروا یا به‌صورت امر و نهی، گفته شود؛ ابزار «تمثیل» شاید یکی از کارآمدترین وسایل و حربه‌ها است. (اعراف/۷۹) (محمدقاسمی، ۱۳۸۲، ۴۱) «لسان مثل در پرده کنایت و اشارت که ابلغ از تصریح است، مطالب عالی و حکیم شافیه را تعلیم می‌دهد.» (محمدقاسمی، ۱۳۸۲، ۳۶)

خانواده‌ای که در آن ادب رعایت می‌شود، حقوق یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرد، پدر و مادر به یکدیگر احترام می‌گذارند، قطعاً در فرزند اثر مطلوب می‌گذارد. بالاترین روش تربیتی روش رفتاری است که با رفتار و اخلاق پسندیده نشان دهیم که بد اخلاقی چیز بدی است. با صدق و راستی در رفتار نشان دهیم دروغ و کلک و حقه‌بازی چیز بدی است.

در همه عرصه‌های زندگی باید با عمل دعوت به خوبی کنیم. از شیوه‌های تربیتی پیامبر اکرم (ص) شیوه رفتاری بود. ایشان خیلی کم صحبت می‌کردند. اکثر اوقات ساکت بودند، ولی با عمل و رفتار خود مردم را به کارهای خیر دعوت می‌کردند (فرحزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

اگرچه مسائل مربوط به تربیت جنسی غیرمستقیم جنبه عام تربیتی دارند و مستقیماً با تربیت جنسی مرتبط نیستند، اما از آنجا که به نحوی با مسائل جنسی ارتباط پیدا می‌کند، رشد طبیعی جنسی در افراد را تسهیل می‌نمایند و قرآن کریم فراوان از شیوه تربیتی غیرمستقیم به ویژه روش استفاده از زبان کنایه بهره جسته است. به همین خاطر است در اسلام، والدین موظف‌اند تا از همان آغاز تولد فرزند، زمینه رشد و تربیت طبیعی از جمله رشد و تربیت جنسی او را فراهم سازند.

۷. پیامدهای اخلاقی نزاهت گفتاری قرآن در امور جنسی

• قرآن به مثابه کتاب تشریح همانند جهان آفرینش که کتاب تکوین است تجلی گاه حکمت و قدرت و علم خدا بوده و دیگر اوصاف الهی که در محتوا، ساختار و اسلوب بیانی آن جلوه گر شده است. همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: خدای سبحان با تجلی خویش در کتابش قدرت خود را نمایان کرد بدون آن که بندگان او را ببینند (کلینی، ۱۳۶۵، ۸، ۳۸۷).

از صفاتی که در شیوه بیانی و ساختار کلامی قرآن آشکار می‌شود صفت ستاریت خدا است و از مظاهر آن می‌توان همین استعمال کنایات و استعاره‌ها در تربیت جنسی اسلام و قرآن دانست و پرهیز از صراحت گویی در این مسائل از آثار اخلاقی و تربیتی نزاهت بیانی قرآن است البته خداوند در مواردی از حق گویی پروا ندارد چه این که می‌فرماید: «والله لا یستحی من الحق» ولی ستاریت و پرده‌پوشی و حفظ ادب و احترام به عنوان شیوه مؤدبانه در استعمالات قرآنی به حساب می‌آید همان طور که امام صادق پس از تشریح «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» به آمیزش جنسی چنین می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ سَتِيرٌ يُحِبُّ الِسْتَرْقَالَ يَسْمُ كَمَا تُسْمُونَ» خدا پرده‌پوش است و مستور بودن را دوست دارد لذا

مانند شما نام نبرده است (کلینی، ۱۳۶۵، ۵، ۵۵۵) این حدیث تأکید دارد که تعابیر کنیاتی قرآن از ستاریت خدا سرچشمه می‌گیرد و در منابع اهل سنت نیز با همین مضامین هم- راستایی فراوانی به جنبه حیا و ستاریت خدا دارد. همان‌طور که حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيُّ كَرِيمٌ» (سجستانی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۳۴) در روایت دیگری چنین آمده است که «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَلِيمٌ حَيُّ سَتِيرٌ، يَحِبُّ الْحَيَاءَ وَالسَّتْرَ؛ فَإِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتِرْ» (نسائی، ۱۳۴۸، ۱، ۲۰۰) از این رو شایسته و بایسته است شیوه و روش گفتاری و بیانی قرآن در مسائل جنسی را در عملکردها و رفتارهای خود سرمشق و نمونه قرار دهیم.

• استعمال تعابیر کنایی در طرح مسائل جنسی مصداق بارزی از قول حسن به حساب می‌آید. در کنار نعمت‌های مادی بهشت، نعمت‌های معنوی است. «لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ... وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»، سخنان دل‌نشین، ارمان بهشتیان است. سخنانی روح‌پرور و جمله‌ها و الفاظی نشاط‌آفرین و کلماتی پر از صفا و معنویت که روح را در مدارج کمال سیر می‌دهد و جان‌ودل انسان را می‌نوازد و پرورش می‌دهد. «و هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ...؛ و به‌سوی گفتار پاک راهنمایی شوند» اگرچه به‌همه‌ی مردم نمی‌توان احسان کرد، ولی با همه می‌توان خوب سخن گفت. برخورد خوب و گفتار نیکو، نه تنها با مسلمانان، بلکه با همه‌ی مردم لازم است (رضایی، ۱۳۹۳، ۲۸۳).

• در دسته‌ای از آیات ذیل، به تربیت جنسی کودکان قبل از بلوغ توجه داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ ذَنْبُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح و هنگام نیم‌روز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد و بعد از نماز عشا؛ سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند؛ چراکه) برخی از شما بر (گرد)

برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ این گونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند؛ و خدا دانای فرزانه است»

در احادیث نیز از این دوره به‌عنوان هفت سال دوم عمر (که زمان اطاعت‌پذیری، ادب‌آموزی و آموزش قرآن) یاد شده است: تربیت جنسی نوجوانان (توجه به بلوغ جنسی آنان و افعال انحرافات جنسی): قرآن به تربیت جنسی نوجوانان اشاره کرده است که لازم است هنگام ورود به اتاق پدر و مادر در هر زمانی اجازه بگیرند: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند، پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان‌گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ این گونه، خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ و خدا دانای فرزانه است.» (رضایی، ۱۳۹۳، ۸۲)

در آیاتی دیگر نیز نزاهت گفتاری و کلامی قرآن مشهود است و می‌توان پندهای اخلاقی فراوانی از آن گرفت. برای مثال در شرح داستان زلیخا با یوسف صدیق، از واژگان رفت‌وآمد (مراوده) استمداد شده و حتی زیبایی یوسف، وصف و شرح نشده، بلکه با سرعت و کنایه از آن عبور شده است: «فَلَمَّا رَأَتْهُ أُنْفُسَهُ كَبَّرَتْهُ وَأَقْبَعَتْ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف / ۳۱) وقتی او را دیدند، در نظرشان بزرگ آمد و دستانشان را بریدند و گفتند: حاشا که این بشر باشد؛ این، جز فرشته‌ای بزرگ نیست» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ۲۴۲) به همین دلیل است که روش کنایه‌گویی در قرآن، بارها به کاررفته است.

قرآن برای برپاداشتن نماز آدابی را در نظر گرفته است. ورود به نماز باید با طهارت و وضو باشد و در صورت وجود مانع، تیمم را جایز می‌شمارد. «اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده یا با زنان تماس گرفته و آب برای غسل یا وضو نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید.» (مانده / ۶). در این آیه دو تعبیر ادب قرآنی را نمایان می‌سازد؛ زیرا از قضای حاجت به «إِنْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ؛ اگر یکی از شما از محل گودی

آمد» تعبیر شده است. درباره معنای غائط گفته‌اند: مکان گودی بوده است که باده‌نشینان و اهالی روستاها برای رفع حاجت خود به‌دوراز چشم مردم، به آنجا می‌رفتند؛ این واژه امروزه به دلیل کاربرد زیاد آن به‌صورت اصطلاح عرفی درآمده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این پژوهش آمد برای تربیت صحیح و مؤثر زوجین و فرزندان بهتر است از شیوه غیرمستقیم بهره برد که یکی از بهترین این شیوه‌ها، استفاده از زبان کنایه است. به‌خصوص در مسائل جنسی که نیاز به رعایت چارچوبی برای حفظ و تقویت حیا در طرفین دارد. طبق شیوه بیانی قرآن کریم زبان کنایه هوشمندانه‌ترین انتخاب در زمینه تربیت جنسی است. بدین بیان می‌توان نتیجه گرفت که:

- گرچه از صفات خداوند این است که از بیان حق پرورایی ندارد لیکن در شیوه بیانی و ساختار کلامی قرآن که به‌عنوان کتاب شریعت همچون جهان خلقت که کتاب تکوین است محل تجلی حکمت و قدرت و علم خدا بوده و دیگر اوصاف الهی نیز در محتوا، ساختار و اسلوب بیانی قرآن منعکس شده است. صفت ستاریت خدا حتی در کنایات و استعاره‌ها مربوط به تربیت جنسی قرآن متبلور می‌شود چراکه دوری از صراحت گویی در مسائل تربیت جنسی از آثار اخلاقی و تربیتی نزاهت بیانی قرآن مجید است.

- در تربیت جنسی اسلام قرآن کریم در شیوه بیانی خود برای مطرح نمودن مسائل جنسی تمام عفت کلام، نزاهت گفتار و ادب را با بلاغتی تام و کمال و شیوا و زیبایی فوق‌العاده مقرون کرده و با انتخاب الفاظ و جملات کنایاتی از استعمال هرگونه لفظ صریح، مستهجن و زشت در این امور فاصله گرفته است. این شیوه بیانی از مظاهر صفت حیا و ستاریت خدا بوده و در قرآن متجلی شده و به‌مثابه سرمشقی شایسته و مهم در حیطه مسائل تربیتی و اخلاقی مورد توجه همگان به‌خصوص در جوامع اسلامی باید قرار گیرد تا از ناهنجاری‌ها در رفتارهای ناصحیح جنسی جلوگیری شود و زمینه مناسبی برای رشد معنویت و شکوفایی در مسائل اخلاقی فراهم آید.

- نوع بیان زوجین و نحوه مباشرت آنان با یکدیگر می‌تواند موجب رشد و تعالی آنان و

نقش زبان کنایه قرآن در تربیت جنسی؛ اسمعیلی صدرآبادی و همکاران | ۵۳

تقرب الهی گردد و خداوند بدین شکل بیان علاوه بر آموزش نحوه تکلم و ترغیب به نحوه تعامل صحیح میان زوجین به نوعی در مقام رب به تربیت بندگان خویش با حفظ کرامت انسانی یکدیگر مبادرت کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mehdi Ismaili Sadrabadi

Sara Heydari

Sumiya Dastan Zand



<https://orcid.org/0000-0002-0764-3573>



<https://orcid.org/0000-0001-9914-1978>



<https://orcid.org/0009-0004-2772-927x>

منابع

قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ج ۱، ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
براهنی، محمد تقی. (۱۳۷۰). *زمینه روان شناسی*، تهران، رشد.
بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، ج ۲، بی تا.
حافظ، ثابت. (۱۳۸۱). *تربیت جنسی در اسلام*، قم، موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.
حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ ق). *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام.
حسینی، داوود. (۱۳۸۱). *جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام*، قم، مرکز پژوهش های اسلامی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران، مرتضوی.
رضایی، مهدیه. (۱۳۹۳). *قرآن و تربیت اجتماعی کودکان*، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *اساس البلاغه*، بیروت، دار صادر.
سجستانی، محمد بن عزیز. (۱۴۱۰). *غریب القرآن*، ج ۱، بیروت، دارالمعرفه.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۲۱ ق). *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق: فواز احمد زمرلی، لبنان، بیروت، دارالکتاب العربی.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۳). *تفسیر المیزان*، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی؛ تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، امیر کبیر.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۴). *تفسیر جوامع الجامع*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). *جامع البیان عن تأویل آیه القرآن*، ج ۴، بیروت، دارالفکر.
طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
طهماسبی، مهدی. (۱۳۸۱). *چگونگی انتقال مفاهیم دینی به جوانان*، قم، مرکز پژوهش های صداوسیما

عرفان، حسن. (۱۳۷۸). *ترجمه و شرح جواهر البلاغه*، قم، نشر بلاغت.
علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۰۹ ق). *الشرح الصغیر فی شرح المختصر النافع*، قم،

مکتبه آیه الله المرعشی العامه.

علوی مقدم، محمد. (۱۳۷۲). در قلمرو بلاغت، مشهد، آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.

علی محمدی، ایرج. (۱۳۸۲). عفت کلام در قرآن، قم، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر، ج ۱۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). العین، قم، انتشارات هجرت.

فرزاد، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). تربیت فرزند، قم، نشر عطش.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۹۷ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قاهره، دارالمعارف.

قائمی، علی. (۱۳۶۸). خانواده و مسائل نوجوان و جوان، قم، شفق.

قائمی، علی. (۱۳۸۴). نقش پدر در تربیت، ج ۷، تهران، کتاب‌درمانی.

قرائتی، محسن. (۱۳۹۶). مهارت معلمی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). کافی، ج ۵، قم، دارالحديث.

محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۲). تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن، قم، انتشارات اسوه

محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۱). شناخت نامه قرآن، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم، موسسه

علمی فرهنگی دارالحديث.

مراغی، احمد مصطفی. (۱۳۶۵). تفسیر المراغی، ج ۶، بیروت، دارالفکر.

مصطفوی. (حسن). (۱۳۶۰). شرح اشارات و تنبیها، تهران، دانشگاه امام صادق.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۸ ق). التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید.

موسوی، سید نعمت‌الله. (۱۳۸۲). فرهنگ بدیعی، تبریز، احرار.

نسائی، ابی عبدالرحمن. (۱۳۴۸). تفسیر نسائی، ج ۱، بیروت، موسسه کتب ثقافیه.

هاشمی، احمد. (۱۳۷۹). جواهر البلاغه، مترجم: علی اوسط ابراهیمی، قم، نشر حقوق اسلامی.

الهامی، رضا. (۱۳۸۹). تربیت جنسی از دیدگاه قرآن و حدیث، سومین همایش ملی قرآن کریم

سفینه النجاه عصر.

ستوده‌نیا، محمدرضا. رمضان، ملیحه. (۱۳۹۴). بررسی روش‌های تربیت جنسی در قرآن با تأکید بر

رویکرد روان‌شناسی شناختی، همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی،

دوره برگزاری: ۹، ۴۵-۷۰

صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۶). *روش‌های تربیتی از دیدگاه امام هادی، فصلنامه فرهنگ کوثر*، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۶، ۹۷-۱۰۲.

مزیدی، محمد؛ خدمتیان، محمد. (۱۳۹۶). *ارائه الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان؛ تربیت اسلامی* شماره ۲۵، ص ۱۶۱-۱۸۳

محمودی، احمد؛ اسماعیل ملکوتی خواه. (۱۳۹۱). *بررسی بعد زیباشناختی و نزاهت بیانی قرآن کریم در مسائل جنسی، فصلنامه کتاب قیم*، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۵۵-۸۱.

مستقیم، مهدیه سادات. (۱۳۹۱). *تحلیل رابطه تربیت اخلاقی و جنسیت مبتنی بر انسان‌شناسی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی*. حوزه علمیه، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۱، ۱۳۳-۱۷۰.

References

The Holy Quran

- Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (1994). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsiir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani*. vol. 1. [In Arabic]
- Allameh Heli, Hasan bin Yusuf bin Motahar. (1988). *Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Al-Mukhastar al-Nafi*, Qom, Ayatollah al-Marashi Public School. [In Arabic]
- Alavi Moghadam, Mohammad. (1993). *In the realm of rhetoric*, Mashhad, Astan Quds Razavi, Printing and Publishing Institute. [In Persian]
- Ali Mohammadi, Iraj. (2003). *Chastity of speech in the Qur'an*, Qom, Broadcasting Research Center. [In Arabic]
- Barahani, Mohammad Taqi. (1991). *Field of psychology*, Tehran, Roshd.
- Beidawi, Abdullah bin Umar. (1997). *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Taawil*, vol.2. [In Arabic]
- Elhami, Reza. (2010). *Sexual education from the perspective of the Quran and Hadith, the third national conference of the Holy Quran*, Safina Al-Najah Asr. [In Persian]
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar. (1999). *Al-Tafsiir al-Kabir*, vol. 11, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1989). *Al-Ain*, Qom, Hijrat Publications. [In Arabic]
- Farahzad, Habibullah. (2015). *Child Education*, Qom, Atash Publishing. [In Arabic]
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (2018). *Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir*, Cairo, Dar al-Maarif. [In Arabic]
- Ghaemi, Ali. (1989). *Family and adolescent and youth issues*, Qom, Shafaq. [In Persian]
- Ghaemi, Ali. (2005). *Father's Role in Education*, Volume 7, Tehran,

- Darmani Book. [In Persian]
- Hafez, Sabet. (2002). *Sex Education in Islam*, Qom, Imam Khomeini Educational-Research Institute. [In Persian]
- Hor Ameli, Muhammad bin Hassan. (1991). *Vasal al-Shia*, Qom, Al-Bayt Institute, peace be upon them. [In Arabic]
- Hashemi, Ahmad. (1379). *Javaher al-Balagheh*, translator: Ali Osat Ebrahimi, Qom, Islamic Law Publishing House. [In Arabic]
- Hosseini, Davood. (2002). *The position of encouragement and punishment in Islam*, Qom, Islamic Research Center. [In Persian]
- Irfan, Hassan. (1999). *Translation and description of Javaher al-Balagha*, Qom, Balaghat Publishing House. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (1996). *Lasan al-Arab*, Beirut, Dar Sader. [In Arabic]
- Koleini, Muhammad bin Yaqub. (1986). *Kafi*, vol.5, Qom, Dar al-Hadith. [In Persian]
- Mohammad Qasemi, Hamid. (2003). *Parables of the Qur'an and its educational effects*, Qom, Osveh Publications. [In Persian]
- Mohammadi Reishahri, Mohammad. (2013). *The Knowledge of the Qur'an*, translator: Hamidreza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]
- Maraghi, Ahmad Mustafa. (1986). *Tafsir al-Maraghi*, vol.6, Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Mostafavi, Hassan. (1981). *Description of warnings and punishments*, Tehran, Imam Sadiq University. [In Persian]
- Marefat, Mohammad Hadi. (2007). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*, Qom, Al-Tamhid Publishing House. [In Arabic]
- Mousavi, Seyyed Nematullah. (2012). *Farhang Badi'ei*, Tabriz, Ahrar. [In Persian]
- Mozayedi, Mohammad; Khedmatian, Mohammad. (2016). *Presenting the model of sexual education based on the views of Muslim thinkers*; Islamic Education No. 25, pp. 161-183. [In Persian]
- Mahmoudi, Ahmed; Esmail Malakooti Khah. (2013). *Examining the aesthetic dimension and expressiveness of the Holy Quran in sexual matters*, Kitab Qayim Quarterly, No. 5, Spring and Summer (2013). 55-81. [In Persian]
- Mostaghimi, Mahdieh Sadat. (2013). Analysis of the relationship between moral education and gender based on anthropology from the point of view of Ayatollah Javadi Amoli, *Seminary*, No. 13, Fall (2013). 170-133. [In Persian]
- Nasa'i, Abi Abdurrahman. (1348). *Tafsir Nasa'i*, Volume 1, Beirut, Cultural Books Institute. [In Arabic]
- Qera'ati, Mohsen. (2016). *Teacher's skill*, Tehran, Cultural Center of

- Lessons from Quran. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Translation and research of vocabulary of Quranic words*, Tehran, Mortazavi. [In Persian]
- Rezaei, Mahdieh. (2013). *Qur'an and social education of children*, Qom, Qur'an Interpretation and Science Research Publications. [In Persian]
- Sajestani, Muhammad bin Aziz. (1989). *Gharib al-Qur'an*, vol. 1, Beirut, Dar al-Marifah. [In Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din Abdurrahman. (2000) *AH, Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*, researcher: Fawaz Ahmed Zamrali, Lebanon, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Sotoudehnia, Mohammadreza. Ramezani, Maliheh. (2014). *Review of sexual education methods in the Quran with emphasis on cognitive psychology approach, National Conference on Illuminating Pure Thought, Family and Sexual Education*, period: 9, 45-70. [In Persian]
- Salehi, Gholamreza. (1386). *Educational methods from Imam Hadi's point of view, Farhang Kosar Quarterly*, number 70, summer 1386, 97-102. [In Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (2004). *Tafsir al-Mizan*, Qom, Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation; Tehran, Raja Cultural Publishing Center: Amir Kabir. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hassan. (1995). *Tafsir Javamea al-Jame'*, Mashhad, Astan Quds Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1991). *Jame al-Bayan an Tawil Ayah al-Qur'an*, Volume 4, Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Tarihi, Fakhreddin. (1996). *Majma Al-Baharin*, Tehran, Mortazavi. [In Arabic]
- Tahmasebi, Mehdi. (2002). *How to transfer religious concepts to young people*, Qom, Broadcasting Research Center. [In Persian]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1986). *Asas al-Balagheh*, Beirut, Dar Sader. [In Arabic]

استناد به این مقاله: اسمعیلی صدرآبادی، مهدی، حیدری، سارا، دستان زند، سمیه. (۱۴۰۲). نقش زبان کنایه قرآن در تربیت جنسی، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۴(۴۶)، ۲۹-۵۸.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.71521.1889



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.